

روانشناسی تحقق دین باوری در نوجوانان

بخش نخست

● دکتر مسعود مولودی - روانپزشک



روانشناسی تحقق دین باوری در نوجوانان نیاز به بیان مقدماتی دارد که اختصاراً به ذکر آنها پرداخته و سپس سیستماتیک به بررسی تحقق دین باوری می پردازیم.

الف. نوجوان و ویژگی های نوجوان
باید گفت که طبق طبقه بندی «اریکسون» که تقریباً مورد قبول اکثر علمای روانشناسی می باشد، سن نوجوانی از ۱۳ سالگی تا ۲۰ سالگی است و در مراحل ۸ گانه تکاملی نوجوانی، مهمترین مرحله رشد است و تکلیف این مرحله مهمترین تکلیف می باشد.

تکلیف نوجوانی کسب هویت است که اگر این وظیفه در این مرحله حساس رشد محقق شد که نوجوان با هویت جدید به مرحله جوانی که از ۲۰ تا ۴۰ سالگی است، وارد خواهد شد و از عهده تکالیف آن مراحل برخوردار خواهد آمد و در غیر این صورت نوجوان به بی هویتی و سردرگمی نقش

مبتلا می شود که عوارض آن بیشتر از آن چیزی است که ما در این بحث مورد بررسی قرار می دهیم.

نوجوان با هویت کسی است که اولاً خود را می شناسد، جایگاه خود را در خانواده، جامعه بین دوستان و آشنایان



مُنزل است، به این معنی به نوجوان تحمیل نماییم، زیرا پویایی و ایرادگیری فلسفی و عقلی و بحث‌های مربوط به آن در همین مرحله از رشد تحقق می‌یابد.

۶. لازم است مهمترین بخش مغزی نوجوان، که همانا دستگاه تفکر و تدبیر و استدلال اوست را تحریک نموده و او را تشویق به تفکر و حل مشکلات خود از این طریق نموده و در صورت بروز اشکال در مقدمه‌چینی منطقی به او کمک کنیم.

۷. با توجه به اینکه تکلیف نوجوان، قرارگرفتن نوجوان بر پای خود است تا بتواند مراحل بعد را یک‌تنه حل و فصل کند، لازم است از کمک مستقیم فکری و تصمیمات جبری دینی و غیردینی به او خودداری نموده و به جای اینکه او را موجود کاملاً پذیرنده و مطیع فرض کنیم که لازم است مطالب مهمی را بدانند و سپس به آنها عمل کنند، او را چشمه‌های در نظر بگیریم که محتوی آبهای زلال و مطالب مهم علمی است و او را بکاویم تا خود هم مسائل خود را حل نماید.

۸. تأکید ویژه بر احترام به نوجوان در برخوردها و تأمل و تحمّل گفتارهای او حتی اگر بی‌هودگی آن گفتارها و استدلالها روشن باشد.

ج. روانشناسی دین و دیندار

روشن است که دین به معنی روش و سبک رفتاری افراد است که ما به دلیل اعتقاد به ادیان آسمانی و بخصوص اسلام، باید بدانیم که دین اسلام تسلیم‌شدن محض را در رابطه با احکام الهی و آنچه حق می‌داند، تجویز و واجب می‌داند و این معنی کاملاً با نوجوانی که همه‌اش طغیان و تحقیق و گریز از

از باورهای فرهنگ ملی خودش روی لباس پوشیدن و چگونگی بروز و ظهور اجتماعی مبتلا به سردرگمی در انواع دیدگاههای مطرح در جامعه خواهدبود و گاه به ابتذال فرهنگ غربی بخش ناهنجار آن مبتلا می‌گردد که به انواع گرایش‌های مختلف انحرافی تقسیم می‌شود، بنابراین تکلیف مرحله نوجوانی یعنی کسب هویت اولین مسأله‌ای است که لازم است حل شود تا مسائل بعدی برای دین‌باوری امکان طرح و حل و فصل پیدا نمایند.

ب. روانشناسی برخورد با نوجوان

به دلیل حساس بودن مرحله نوجوانی لازم است هرکس به هر منظور که با نوجوان ارتباط دارد و بخواهد عقاید و آرای او را به سمت و جهتی سوق دهد، نسبت به این ویژگی‌ها اطلاع داشته باشد. لذا توصیه ما برای برخورد با نوجوان مطالب زیر است:

۱. نوجوان و نوجوانی را مطابق با واقعیت آن درک کنیم.

۲. به تنزل موجود در این طایفه توجه کنیم.

۳. به پرخاشگری، پرتوقعی، یک‌دندگی و احیاناً قانون‌گریزی این جماعت که از اضطراب درونی آنها ناشی می‌شود، توجه کرده و همه را حمل بر بدی و سوءاخلاق آنها نکنیم.

۴. به صراحت نوجوان و بی‌پردگی و احتمالاً پرده‌داری او به دلیل بودن در این مرحله حساس که خود انقلاب و بحران عظیمی در تکامل فردی است، توجه داشته باشیم.

۵. هیچ‌گاه نظر خود را حتی اگر وحی

خود می‌داند، ثانیاً نسبت به فرهنگ ملی خود مطلع بوده و نسبت به آن موضع و تحلیل دارد. ثالثاً در رابطه با جهان بینی و کسب عقیده و ایمان به خداوند یا عدم آن کفر و الحاد حتماً موضع و جایگاه معین خواهدداشت و این مسأله مهم عقیدتی را حل خواهدکرد. رابعاً در رابطه با حاکمیت سیاسی جامعه‌اش تحلیل و موضع‌گیری خواهدکرد، به عبارت دیگر این‌گونه مسائل لازم است در مرحله نوجوانی حل و فصل شود و درحقیقت حل این مسائل پیچیده و گاه مشکل تکلیف مرحله نوجوانی است و مرحله جوانی که بعد از آن می‌آید و جوان لازم است شغل و ازدواج و روابط عمومی خود را تثبیت کند، برپایه حل و فصل مسائل مبنایی مطروحه چهارگانه قادر خواهد بود که مثلاً نوع همسر و ویژگی‌های همسر خود را تعیین کند و در غیر این صورت نخواهدتوانست مراحل جوانی و پس از آن را به جوانی پشت سر بگذارد.

سردرگمی نقش و بی‌هویتی در مقابل هویت فهمیده می‌شود، مثلاً نوجوان تهی



باشد تا مخاطبان توانند او را بفهمند. در این جا معمولاً مسائل و مشکلات فراوانی وجود دارد که در هریک از این مطالب و مؤلفه‌های یادشده یعنی شناخت دین، عمل به آنها و نحوه بیان آنها به گونه‌ای همه کس فهم می‌باید رعایت شود؛ چرا اگر کمترین نقصی وجود داشته باشد، به همان اندازه نقص در تبلیغ ظاهر خواهد شد که عیوب آن بیش از بحث ما در این مقاله است.

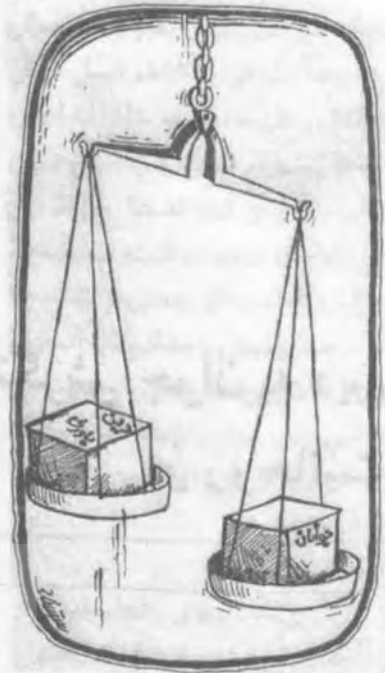
ه. روشهای تحقق دین‌باوری در نوجوانان

با مطالعه مقدمات بالا که برخی از پارامترهای ارتباط با نوجوان ذکر شد، لازم است نسبت به روش‌های سنتی تبلیغ تجدیدنظر نموده و با طراحی روش‌های متنوع برای هر دسته و گروه از نوجوانان در هر مرحله از رشد، بتوانیم مطالب عالی و رشددهنده اسلامی را به درون جامعه آورده و آنها را جایگزین باورهای خرافی و فرهنگ‌های ایتدال بنماییم.

نگارنده طرحی را بدین منظور ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان یک پیش طرح مورد بررسی قرار گیرد.

« ادامه دارد »

تن دادن به قانون است، منافات کامل دارد، از این رو، دیندار شخصی است که برای آرای خود در خصوص احکام، معاملات و عبادات جایی نمی‌بیند و در احکام اجتماعی تابعیت قانون را می‌پذیرد (به شرط الهی بودن آن قانون) و حتی در روابط فردی و خانوادگی خود سعی بر اجرا و اِعمال نظریات معصومین و متصلین به وحی و به پروردگار دارد. دیندار در نظر روانشناختی، فردی مطیع حق و حقیقت است. فردی است متفکر و فردی است که اصول و ارزش‌های الهی را مقدم بر ارزش‌های خود و حتی جامعه و خانواده خود می‌داند، لذا حضرت ابراهیم با همین روانشناختی است که قادر است نسبت به همه ارزش‌های ناپدری خود و جامعه خود مشکوک باشد و سپس بر علیه آنها قیام نموده و خود را در معرض هرگونه خطر احتمالی قرار دهد، در واقع تحقق ایمان و اعتقاد در دیندار و دین‌باور به معنی تحقق «الله» در همه شئون زندگی و مبارزه با هر چه غیراوست در همه شئون و همان اعتقاد قلبی به کلمه «لا اله الا الله» است که به نظر می‌رسد این کلمه تمام دین است و مابقی از آن نشأت گرفته است و در یک کلام، روانشناسی دین، یعنی تسلیم شدن و از خود تهی شدن و خدا را در همه جا دیدن و به او پیوستن.



د. روانشناسی تبلیغ و مبلغ

پیداست که تبلیغ به معنای رساندن دیدگاه‌های دینی در زمینه‌های مختلف و طرح باورهای دینی در جامعه می‌باشد و مبلغ کسی است که لازم است این دیدگاهها را اولاً شناخته باشد، ثانیاً به آنها عامل باشد و ثالثاً نحوه بیان او به گونه‌ای